

## اشاره

خاورشناسان، آغاز کتابت در میان مسلمانان را قرن دوم هجری می‌دانند و عموماً نگارش سیره را به همان دوران بازمی‌گردانند؛ از این رو مطالب کتب سیر را چندان قابل اعتماد نمی‌شمارند. حتی محققانی چون پاتریشیا کرونه نیز پا را فراتر نهاده، منابع دیگری چون سنگ‌نبشته‌ها و آثاری از این دست را در نگارش سیره پیامبر و یا مباحث تاریخ قرآن ناکافی می‌دانند؛ بنابراین کتاب حاضر را باید بای نودرد چنین رهیافت منفی در سیره‌نگاری دانست (مترجم).

این کتاب که شامل ده مقاله است، حاصل کنفرانسی در اکتبر ۱۹۹۷، دانشگاه نچمگن<sup>۱</sup> هلند است که به منظوری بحث دربارهٔ مشکلات استفاده از منابع اصیل عربی در درک ما از اساسی<sup>۲</sup> حیات پیامبر اسلام ﷺ، برگزار شد. هارالد موتسکی، ویراستار کتاب، مسئله اساسی کتاب را از یک سو آن می‌داند که معمولاً از نظر بسیاری اسلام‌شناسان غربی، غیرممکن است شرح حال تاریخی پیامبر ﷺ را با استفاده از منابع، بدون نقد آن نوشت و متهم نشد؛ در حالی که از دیگر سوی وقتی نقد منابع صورت گیرد، به سادگی ممکن نیست چنین شرح حالی نگاشت.<sup>۳</sup> اما همان طور که مقالات گوناگون این کتاب نشان می‌دهد، نیازی نیست این مسئله را تنها سیاه و سفید ببینیم. بازخوانی متفکرانهٔ منابع، به ما اجازه می‌دهد این وضعیت را بسیار خوشبینانه مجدداً مورد ارزیابی قرار دهیم؛ به ویژه آنکه پروژه و اساسی حقیقت تاریخی که در منابع منعکس می‌شود، مسئله‌ای است که به ندرت عمیقاً مورد بررسی قرار گرفته، حقیقتاً تا حل شدن فاصله بسیار دارد.<sup>۴</sup>

کتاب به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش نخست با عنوان «پیدایی سنت سیره‌نگاری» با مقالهٔ یوری روبین،<sup>۵</sup> تحت عنوان: حیات محمد ﷺ و تصویر اسلامی آن، آغاز می‌شود. روبین در اینجا بر روایات متفاوت از رخدادی واحد در طی عصر مدینه تأکید دارد و تاریخ متنی<sup>۶</sup> را به خصوص در شرایطی که این روایات را می‌توان تصویر بر ساخته مسلمانان از قرن اول هجری خواند، ردیابی می‌کند.<sup>۷</sup> رخداد

## دیگر رنگ‌ها

سیره پیامبر:  
مسئله منابع

پروفسور اسما افسرالدین | استاد دانشگاه نوتردام امریکا

ترجمه: رامینا آتش فرازا | دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه زنجان

چکیده: سیره نبوی ﷺ به لحاظ اهمیت نظری و عملی از دیرباز مورد توجه نویسندگان بوده و کتب بسیاری در این زمینه به رشته تحریر درآمده است. نویسنده در مقاله حاضر کتاب سیره پیامبر را که شامل ده مقاله پیرامون حیات ایشان می‌باشد، معرفی می‌کند. در استای این هدف، ابتدا با به تصویر کشیدن هر یک از بخش‌های کتاب، به بررسی محتوای مقاله‌های مندرج در این بخش‌ها همت گماشته است.

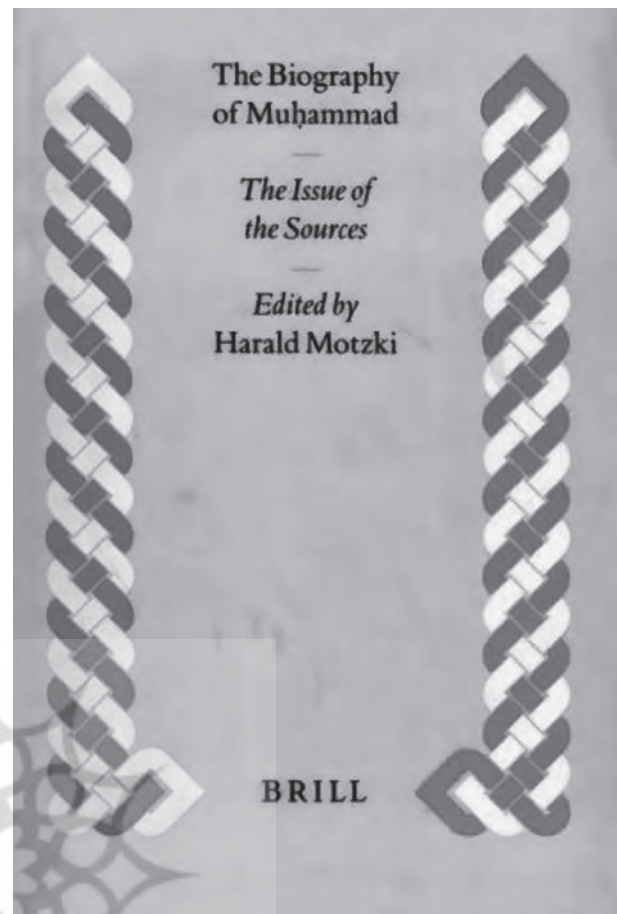
واژگان کلیدی: سیره پیامبر، معرفی کتاب.

1. University of Nijmegen.
2. Reconstruct.
3. P.xiv.
4. P.xvi.
5. Uri Rubin.
6. P.3.
7. P.3.

خوب<sup>۱۲</sup> می‌داند که دربیانی ناسیونالیستی یا نژادی، نابهنگام است.<sup>۱۳</sup> این مفهوم مخالف را به خوبی می‌توان دریافت؛ زیرا یهودیان در گذشته با امتناع از یاری پیامبرشان خطا کردند و مسلمانان امروز (در زمان مقدار. م) از منظر راوی می‌توانند با اطاعت از پیامبرشان، دعوی تقوای بیشتری کنند. این برداشت را دقت در دیگر روایات حدیثیه نیز تقویت می‌کند. روایت ابن هشام<sup>۱۴</sup> از این رخداد، آن است که چون پیامبر ﷺ، اعراب و بدویان را به حرکت به سوی حدیبیه فراخواند، برخی تردید کردند. در کتب شیعی این عدم اجابت شماری از اعراب و اثبات عدم ایمان، در تضاد با علی بن ابی طالب علیه السلام مطرح می‌گردد که با به خطر انداختن جان خویش به خاطر اسلام، در حادثهٔ بیت‌الفرش، ایمان محکم خویش را به همگان نشان داد.<sup>۱۵</sup> از این رو تصویرهایی از واقعه حدیبیه به روشنی در گفتمان تقوای قرار می‌گیرد؛ در واقع در این نوع روایات، قصد،<sup>۱۶</sup> تأکید بر تقوای مسلمانانی است که از خدا و فرمان پیامبرش صلی الله علیه و آله اطاعت کردند؛ برخلاف کسانی که چنین نکردند، و ربطی به گفتمان نژادی ندارد.

مارکو شولر<sup>۱۷</sup> در مقاله «سیره و تفسیر: دیدگاه محمد کلبی دربارهٔ یهود مدینه»، نقل‌های کلبی را دربارهٔ برخوردهای پیامبر ﷺ با یهودیان عربستان بررسی کرده، می‌گوید: چنین نقل‌هایی در مقایسه با دیگر آثار تفسیری سابق بر او در قرن دوم هجری / هشتم میلادی، اطلاعات بیشتری دربارهٔ مباحث فقهی مسئله در بردارد. این مطلب به شولر اجازه می‌دهد به این نتیجه مهم برسد که مباحث تفسیری و روایی در کتب تفسیری متقدم، انتزاعی و یا مطابق با اخباری که در روایات کتب مغازی می‌بینیم، نیست؛ حتی برعکس، از روایات مغازی نیز پیشی می‌گیرد.<sup>۱۸</sup> این نتیجه‌گیری شولر، تمام تحقیقاتی را که ادعایی برعکس دارد، به چالش می‌گیرد.

آدریان لیتس<sup>۱۹</sup> در مقاله «سیره و مسئله روایت»، با تمایز میان خبر<sup>۲۰</sup> که واحد لفظی است و روایت<sup>۲۱</sup> که واحد معنایی است، روشی را از تفسیر سیره و نوشته‌های مربوط ارائه می‌کند. از نظراو، ارتباط ساختاری میان این دو، چیزی را به وجود می‌آورد که پیوستگی اش<sup>۲۲</sup> می‌خواند و به او اجازه می‌دهد اخباری را که می‌توانند علایق عقیدتی را نیز نمایش



مذکور که در کتب سیره مشهور است، به سال ۶ هجری (۶۲۷-۶۲۸ م) به وقوع پیوست؛ آن گاه که مشرکان مکی، پیامبر ﷺ و اصحابش را از حج بازداشتند و ایشان مجبور شدند در مکانی موسوم به حدیبیه توقف کنند. روایت تصویر صحنه مشورت رخ داده میان پیامبر ﷺ و اصحابش در جریان تصمیم‌گیری را به خوبی مورد مطالعه قرار داده است. روایت، مشورت اصحاب را فضیلتی از فضایل<sup>۸</sup> اصحاب به شمار آورده، اما مشورت<sup>۹</sup> را در حل مشکلات ناکافی می‌داند؛ با این همه به گمان من، روایت آن گاه که روایتی دیگر از حدیبیه را نشانه‌ای از گفتمان ناسیونالیستی می‌خواند، به خطا رفته است. در این روایت دوم، مقدار بن‌اسود به پیامبر ﷺ عرض می‌کند مسلمانان مانند بنی اسرائیل پیامبرشان را در جنگ، ترک نخواهند کرد. فحوای<sup>۱۰</sup> سخن مقدار به سوره مائده، آیه ۵ اشاره دارد که ظاهراً اشاره به داستان جاسوسانی دارد که در «عهد عتیق» آمده است (ش ۱۳-۱۴). روایت، سخن مقدار را مفهومی مخالف اسرائیلی‌های بد،<sup>۱۱</sup> یعنی اعراب

12. Good Arabs.

13. Anachronistic.

۱۴. ابن هشام؛ السیره النبویه؛ طبع سیال زکّار؛ ج ۱، بیروت، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م، ص ۷۷۶.

۱۵. احمد بن طابوس؛ بناء المقالة الفاطمية في نقد الرسالة العثمانية؛ طبع علی العدنانی الغریفی؛ بیروت، ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۱ م، ص ۱۱۷.

16. parantic.

17. Marco Scholler.

18. P.42.

19. Adrien Leites.

20. Report.

21. Tradition.

22. Association.

8. Merits.

9. Consultation.

۱۰. مؤلف واژه (متن / Context) را به کار برده بود که به گمان ما واژه فحوا به گوش خوانندهٔ فارسی زبان آشناتر می‌نمود (م).

11. Bad Israelites.

در بررسی اسنادی روایات مشابه تأکید می‌کند و وجود تمایلات عباسی مآبانه منتخب را رد می‌کند.

ماهر جزار، تحقیقی سودمند را درباره منابع متقدم شیعی حیات پیامبر ﷺ به نام «سیره اهل الکسا: منابع متقدم شیعی درباره سیره پیامبر» عرضه کرده است. نخستین مدون موثق سیره و مغازی از آن مولای کوفی ابان بن عثمان الأحمر (م ۷۹۰-۸۱۵ م) و شاگرد امام صادق و امام کاظم علیهما السلام است. مطالب تاریخی منسوب به ابان عمدتاً در کتب کلینی، ابن بابویه قمی، طبرسی و مجلسی وجود دارد. تحلیل جزار از این اخبار، او را به این کشف می‌رساند که این روایات از طیف وسیعی از روایان به دست آمده و زبان و سبک بسیاری از این نقل‌ها مشابه سبک معاصران ابان، واقدی و یونس بن بکیر است؛ از این رو جرار نتیجه می‌گیرد فن<sup>۳۲</sup> سیره و مغازی نگاری

نسبتاً پیشرفته‌ای به شکل موضوعی<sup>۳۳</sup> و خلاصه<sup>۳۴</sup> در اوایل قرن دوم هجری / هشتم میلادی در حجاز، عراق و شام رایج بوده است. او مقاله‌اش را قابل قبول به پایان می‌رساند که سیره‌های متقدم چون سیره ابان به سبب شباهت زیاد محتوایشان با روایات سنی، محوشده‌اند و دیگر، با امام شناسی<sup>۳۵</sup> متأخر شیعی که برشان رستگاری<sup>۳۶</sup> خاندان پیامبر ﷺ (اهل بیت) و دانش مافوق طبیعی امامان تأکید می‌ورزد.

مقاله تامل برانگیز میسائیل لکر،<sup>۳۷</sup> «آیا قریش با انصار پیش از هجرت معاهده‌ای داشتند»، بخش دوم کتاب را تحت عنوان «وثاقت تاریخی مطالب سیره» آغاز می‌کند. لکر، کثیری از سیره‌های پیامبر متأخر را بررسی کرده، میان آنها و دیگر روایات حیات پیامبر ﷺ ارتباط برقرار می‌کند. یکی از چنین حوادثی، بیعت عقبه است که برخی کتب سیره متأخر، چون سیره شامیه صالحی (م ۹۴۲ ق/ ۱۵۳۵-۱۵۳۶ م)، نشر المحاسن ابن الدبیاء (م ۹۴۴ ق/ ۱۵۳۷ م) و تاریخ الخمیس حسین دیاربکری (م ۹۹۰ ق/ ۱۵۸۲ م) به آن پرداخته است و نقل‌هایی را که احتمال می‌دهند امکان هجرت پیامبر ﷺ به مدینه بیشتر با مذاکرات سیاسی هموار گردیده تا مداخله‌ای آینده‌نگرانه که معمولاً در کتب سیره عرضه می‌شود، در خود جای داده است. لکر به گونه‌ای محکمه‌پسند<sup>۳۸</sup> گمان دارد که این نقل‌ها نتیجتاً در روایات معمول

دهند، تشخیص دهد. او این روش را با بررسی روایات حدیث نجم<sup>۲۳</sup> به تصویر می‌کشد. نویسنده، این روایات را به دودسته تقسیم می‌کند: اول، روایاتی که به نقش پیامبر و وظیفه مند،<sup>۲۴</sup> یعنی انسانی که رسالتش در زمانی خاص آغاز شده، و دوم، روایاتی که بر نقش هستی شناسانه<sup>۲۵</sup> پیامبر، یعنی پیامبری که رسالتش از آغاز خلقت مقدر بوده است، تأکید می‌ورزد. من این تمایز آشکارا - که به گواهی لیتس عمدتاً برگرفته از تور آندره<sup>۲۶</sup> است - برای برخی اصحاب نیز مناسب می‌دانم که تصویرشان به ویژه در برخی کتب مناقب متأخر<sup>۲۷</sup> تا آنجا اغراق آمیز می‌شود که آن اصحاب هم به طور مافوق طبیعی به صحبت برگزیده شده‌اند. بنابراین مذاقه در نقل‌های قدیم و جدید، لیتس قانع‌کننده، ثابت می‌کند که «پیامبر و وظیفه مند» آن برداشتی است که ابتدا در میان نویسندگان سنی رواج داشت، اما نویسندگان متأخر اهل سنت

به تدریج این دو برداشت را تلفیق کردند؛ حال آنکه شیعیان برداشت پیامبر هستی شناس را ترجیح داده‌اند.

### نخستین مدون موثق سیره و مغازی از آن مولای کوفی

ابان بن عثمان الأحمر (م ۷۹۰-۸۱۵ م) و شاگرد امام صادق و امام کاظم علیهما السلام است.

مقاله گرگور اسشوئلر،<sup>۲۸</sup> «مغازی موسی بن عقبه»، در پی بررسی مجدد عنوان به کاررفته برای نوزده روایت منسوب به موسی بن عقبه (۱۴۱ م ق/ ۷۵۸ م)، مندرج در پاپیروس آهلوارد<sup>۲۹</sup> در برلین، شماره

۱۵۵۲ است. ارزیابی اسشوئلر از اهمیت این پاپیروس در اثراعتقاد به باقی بودن مغازی موسی به وجود آمده و دسترسی به منابع تازه‌ای که حاوی روایاتی منسوب به موسی است، این عقیده را برانگیخته است. این مسئله، اسشوئلر را به بررسی مجدد مقاله ژوزف شاخت<sup>۳۰</sup> درباره مغازی موسی برانگیخت. شاخت در این مقاله مدعی است که نشان داده تئوری او، درباره نقل متأخره اسلامی را می‌توان به تاریخ اسلام نیز سرایت داد؛ با این حال اکنون می‌توان نشان داد نقلی که به الزهری، منبع اصلی موسی، برنمی‌گردد و به زعم شاخت، جعل متعصبان ضد علوی است، در روایتی بزرگ‌تر وجود دارد. روایتی مشابه نیز در مسند الطیالسی است که کامل بودن حدیث تعصب ضد علوی را می‌زداید و در آن به گونه‌ای کوتاه شده، اسناد نام موسی قرار دارد. بدین ترتیب روشن می‌شود همیشه از زهری نقل نمی‌کند. اسشوئلر بر خلاف ادعاهای شاخت بر وثوق زهری به مثابه رسم و عقیده متواتر<sup>۳۱</sup>

23. Shooting Star;

معنی تحت اللفظی آن، ستاره ثاقب است (م).

24. Functional Prophet.

25. Ontological Prophet.

26. Tor Andrae.

27. Hagiographic.

28. Gregor Schoeller.

29. Ahlwardt

30. Joseph Schacht.

31. Tradent.

32. Gener:

به گمان مترجم، واژه «فن»، از «نوع»، معادل لفظی این واژه مناسب‌تر است.

33. Topoi.

34. Schemata.

35. Imamology.

36. Soteriological.

37. Michael Lecker.

38. Plausibly.

حقیقت قابل تصدیق را در دسترس ما قرار دهد.

در مقاله «روایت تاریخی حدیبیه»، آندراس گورکه<sup>۴۶</sup> در پی واسازی گزارش اصلی حادثه به نقل از عروه بن زبیر است. بدین منظور گورکه به طور دقیق روایات گوناگون حادثه حدیبیه را که از حدیث یا روایت اصلی به نقل از عروه بن الزبیر نشئت می‌گیرد، بررسی می‌کند: این سه نقل، از آن ابن اسحاق، معمر بن راشد و ابوالأسود است. این تحقیق در یافتن برداشتی لغوی یا ادبی مشترک و نیز نشانه‌های رسمیت یافتن بسیاری از این روایات و تمایلات<sup>۴۷</sup> سیاسی کمک می‌کند. این مطلب، او را به این نتیجه می‌رساند که تصویر حدیبیه که به وسیله قدیمی‌ترین منابع موجود به دست ما رسیده است، نتیجه فرایند طولانی نقل و انشا<sup>۴۸</sup> است. مقاله را برت. جی.

هویلند،<sup>۴۹</sup> «ارزیابی نوشته‌های آغازین مسیحی درباره محمد ﷺ»، به ارزیابی ارزش تاریخی نخست نوشته‌های مسیحی (به سریانی) درباره پیامبر که به دو قرن نخست هجری بازمی‌گردد (۲۰۰۱ ق/ ۶۲۲-۸۱۵ م)، می‌پردازد. پنج تصویر متمایز از رسالت پیامبر ﷺ در این روایات رخ می‌دهد: محمد ﷺ آغازگرفتن تاج؛ پادشاه؛ احیاگر توحید و پیامبری دورغین. هویلند استدلال می‌کند: اگر کسی به عقب برگردد، اعوجاج جدلی آشکاری در این روایات شکل گرفته است؛ اما این روایات اطلاعات تکمیلی و مکرر برای روایات اسلامی بوده، چون به طور دقیق قابل مناقشه‌اند. منابع مسیحی را می‌توان در بحث واقع بینانه و دارای چارچوب زمانی به کار گرفت.

بنابراین مقایسه نظرات اشخاصی چون ژان بار پنکایا<sup>۵۰</sup> و زوقنین<sup>۵۱</sup> در یک قرن بعد، ما را به این حدس می‌رساند که سنت نبوی ﷺ در زمان حیات پنکایا عمدتاً شفاهی بوده، در زمان زوقنین شکل مکتوب به خود گرفته بوده است.

در مقاله پایانی «محمد ﷺ در قرآن: مطالعه کتاب مقدس در قرن بیست و یکم» اندرو رپین<sup>۵۲</sup> در بحث اینکه آیا شخص پیامبر ﷺ، زمان و مکان او در تمام قرآن به عنوان یک منبع منطقی در نظر گرفته شده است؟ اشاره اصلی به خود حضرت و عصر ایشان است.<sup>۵۳</sup>

سیره که هجرت را با بیانی کلامی، حادثه مهم تاریخ صدر اسلام می‌دانند، رخ ننموده‌اند. البته این سخن، سلسله‌ای از احتمالات تفسیری را مطرح می‌کند، اما این نقل‌ها اشاراتی به رقابت‌های فضایل نگارانه را نیز گزارش می‌کند؛<sup>۳۹</sup> از این روایات مخالف را نیز باید نشانگر تلاش انصار در بالابردن نقش‌شان در حادثه تاریخی هجرت دانست که در نتیجه حاوی ادعای نوعی سابقه<sup>۴۰</sup> که سنتاً و به طور عمد، به مکی‌های مهاجر اختصاص داشت، نیز هست.

هارالد موتسکی<sup>۴۱</sup> در مقاله بلند «قتل ابن ابی‌الحقیق: بحثی درباره ریشه وثاقت»، برخی اخبار مغازی را به روش پیچیده تحلیل حدیث به تصویر می‌کشد که آن را تحلیل اسناد با متن<sup>۴۲</sup>

می‌خواند و در آن مذاقه اسنادی را با تحلیل متنی در می‌آمیزد. او این روش را در روایات باقیمانده فراوانی از واقعه‌ای کمتر مشهور در باب ابن ابی‌الحقیق یهودی خیبری که به وسیله گروهی از انصار به قتل رسید، به کار می‌برد. با وسواس و دقت زیاد<sup>۴۳</sup> (اگرچه خسته‌کننده و کسالت‌آمیز، چنان‌که خود موتسکی از آن تحذیر می‌دهد)، مجموعه اسناد نقل‌های گوناگون را تحلیل می‌کند و با تلفیق محتاطانه این اسناد با متون، موفق می‌شود به این نتایج مهم دست یابد:

۱. چهار مجموعه اصلی از روایات وجود دارد؛ ۲. بنا بر تحلیل اسنادی، این روایات کاملاً متقدم‌اند؛ چنان‌که چهار طریق عمومی در مجموعه این اسناد گواهی می‌دهد؛ ۳. تحلیل متن نشان می‌دهد تنوع در هر مجموعه روایت، مستقل از یکدیگر است و بنابراین دلیل باید به منبع مشترک بازگردد.<sup>۴۴</sup> بنا بر نظر موتسکی این منبع مشترک باید در دوره‌ای طی سه دهه آخر قرن اول هجری (هفتم میلادی) قرار گیرد.

این روش دقیق و نقد زمانی منابع، انسان را به شک می‌اندازد؛ البته نویسنده به طور مناسبی بدان اندیشیده و آن را علاج کرده است؛ اما تعجب از این است که اگر این نتیجه را زمان توجیه کند و در اقدام به چنین امری خطیر، توش و توان نیز ضرورت داشته باشد،<sup>۴۵</sup> با این حال انسان احساس می‌کند اجزای مهم منابع سنتی باید در معرض این نوع از مذاقه سخت قرار بگیرد تا شالوده تاریخی و مثال‌زدنی از

## در این مجموعه خوراکی فکری بسیاری وجود دارد؛ در حقیقت ارزش بالای این مجموعه در این است که سؤالاتی مهم و مخالف با روش‌شناسی و تحقیقات اسلام‌شناسان مطرح می‌کند.

46. Andras Gorke.

47. Tendentiousness.

48. Redaction.

49. Robert G. Hoylands.

50. John Bar Penkaya.

51. Zuqnin.

52. Andrew Rippin.

53. P. 301.

39. P. 164 n. 38.

40. Cpriority In Islar.

41. Harald Motzki.

42. Isnad-Cum-Matn.

43. Meticulous.

44. P. 231.

45. P. 233.

ریپین می‌گوید: پاسخ، بسته به انتخاب افراد در راهبرد قرائتشان است. چنین راهبردی قابل پیگیری است؛ پیش از همه با این سؤال که خطاب به کاررفته در قرآن که بنا بر نظر ریپین چهارگونه محتمل را ممکن می‌داند: منحصر به فرد تو،<sup>۵۴</sup> تو و دیگری،<sup>۵۵</sup> همه شما<sup>۵۶</sup> و آنچه که او اختلال،<sup>۵۷</sup> یعنی کاربرد فرد برای جمع و برعکس می‌داند، در زمانی که دنیای متن<sup>۵۸</sup> چیز دیگری را مطرح می‌کند. ریپین بر این عقیده است که تغییر خطابی این گونه‌ها به طور رضایت بخشی با مباحث تفسیری توضیح داده نمی‌شود. این مسئله امکان انتقال از یک موضوع به موضوع دیگر<sup>۵۹</sup> را برای ریپین فراهم می‌آورد که به نظر او، ابهام نص قرآنی، آن را (قرآن) برای طبقه بندی خطاب‌ها و شرایط تاریخی پیامبر ﷺ دشوار می‌سازد. او به راهبردهای گوناگون قرائت گروه‌های مختلف مردم هم اشاره می‌کند؛ برای مثال قرائت صوفیان که همه آن به جنبه تاریخی تمرکز ندارد. اما می‌توان استدلال کرد که چیز تازه‌ای یا بیانی خاص در قرآن وجود ندارد که خواننده و مفسر بنا بر مجموعه‌ای از پیش فرض‌هایش آن را مناسب بدانند. این مطلب بیش از هر چیز هر مونیک نصی است که تماماً راجع به آن<sup>۶۰</sup> است؛ و نوشته‌های فراوان وجود دارد که به نقش خواننده می‌پردازد؛ از این رو منطقاً در محیط دینی و توحیدی عام خاورمیانه نسبت به دوره تاریخی خاصی در عربستان اشاره اولیه‌ای به قرآن وجود ندارد. بنا بر مباحث پایانی، پیش فرض ریپین به نوعی غیرمنطقی است؛ زیرا او به اینکه چطور این اختلال‌ها را حل می‌کند، هیچ اشاره‌ای نمی‌کند.

من این مجموعه مقالات را با اشتیاق فراوان مطالعه کردم و آن را بسیار سودمند یافتم. در این مجموعه خوراک فکری بسیاری وجود دارد؛ در حقیقت ارزش بالای این مجموعه در این است که سؤالاتی مهم و مخالف با روش‌شناسی و تحقیقات اسلام‌شناسان مطرح می‌کند. موتسکی و همکارانش با ارائه روش‌های نوآورانه بسیار و نتیجه‌گیری‌های جدید، خط سیری برای تحقیقات علمی آینده ترسیم کرده‌اند که ارزشمندی فراوانشان را انتظار داریم.

54. Singular you.

55. Dual you.

56. Plural you.

57. Disruptions.

58. Context World.

59. Jumping-off Point.

60. Is All about.

